

به ترکیه و ایران چه وارد شد؟

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



به ترکیه و ایران چه وارد شد؟

در همان ایام حیات حضرت بهاءالله و بعد در زمان حضرت عبداله‌ا‌ولین ضربات سیاط مجازات و انتقام با وضعی آهسته ولی مستمر و شدید بر سلاطین آل عثمان و سلسله قاجار ایران یعنی دو خصم لدود دیانت نوزاد الهی وارد آمد. سلطان عبدالعزیز از قدرت ساقط و کمی بعد پس از سرگونی حضرت بهاءالله از ادرنه بقتل رسید و ناصرالدینشاه در زمان حبس حضرت عبداله‌ا‌ول در قلعه عکا هدف طیانچه قاتلی قرار گرفت ولی مقدر شده بود که دورهٔ تشکیلاتی امر الهی یعنی دوره پیدایش و نمو نظم اداری و در نتیجه ظهور و بروز آن چنانکه در نامه جداگانه از پیش اشاره شد - چنان آشوبی در دنیا پدید آورد که نه فقط انقراض این دو سلسله بلکه اضمحلال موسسات دوگانه سلطنت و خلافت مشاهده گردد.

از میان این دو پادشاه مستبد عبدالعزیز مقتدرتر و عالیمقام تر و مقصر تر و در ابتلائات و پیش آمدهای موسس دیانت بهائی بیشتر دخیل بود. او بود که صدور فرامینش سه بار حضرت بهاءالله را تبعید کرد و در قلمرو حکومت او بود که مظهر الهی تقریباً حبس چهل ساله خود را گذراند. در ایام سلطنت او و عبدالحمید دوم برادرزاده و جانشینش بود که مرکز میثاق الهی مدت چهل سال در قلعه عکا حبس را تحمل فرمود که مشحون از آنهمه مخاطرات و اهانات و محرومیت بود.

حضرت بهاءالله عتاباً بسطان عبدالعزیز چنین فرموده است:

أَنْ يَأِيهَا السُّلْطَانُ اسْمِعْ قَوْلَ مَنْ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَلَا يَرِيدُ مِنْكَ جِزْأً عَمَّا أَعْطَاكَ اللَّهُ وَكَانَ عَلَى قِسْطٍ حَقِّ مُسْتَقِيمٍ ... أَنْ يَأِيهَا الْمَلِكُ اتَّبِعْ سُنَنَ اللَّهِ فِي نَفْسِكَ وَبَارَكَانِكَ وَلَا تَتَّبِعْ سُنَنَ الظَّالِمِينَ ... لَا تَطْمَئِنُّ بِخِزَائِكَ فَاطْمَئِنُّ بِفَضْلِ اللَّهِ رَيْكَ ... لَا تَفْرُطْ فِي الْأُمُورِ فَاعْمَلْ بَيْنَ خِدَامِكَ بِالْعَدْلِ ... ثُمَّ انْصَبْ مِيزَانَ اللَّهِ فِي مَقَابِلَةِ عَيْنِكَ ثُمَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ فِي مَقَامِ الَّذِي كَانَكَ تَرَاهُ ثُمَّ وَزْنَ أَعْمَالِكَ بِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَلْ فِي كُلِّ حِينٍ وَحَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبَ فِي يَوْمِ الَّذِي لَنْ يَسْتَقِرَّ فِيهِ رَجُلٌ أَحَدٌ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتَضْطَرُّ فِيهِ أَفْتَدَةُ الْغَافِلِينَ .“

در لوح رئیس حضرت بهاءالله چنین نبوت فرموده است:



TRANSLATION



AUDIO

”سوف تبدل ارض السر (ادرنه) و ما دونها و تخرج من يد الملك و يظهر الزلزال و يرتفع العويل و يظهر الفساد في الاقطار و تختلف الامور بما ورد على هؤلاء الاسراء من جنود الظالمين و يتغير الحكم و يشتد الامر بحيث ينوع الكتيب في الهضاب و تبكي الاشجار في الجبال و يجري الدم من الاشياء و ترى الناس في اضطراب عظيم .“ و در جای دیگر فرموده .

”سوف ياخذكم بقهر من عنده و يظهر الفساد بينكم و يختلف ممالككم اذا توحون و تنفرون و لن تجدوا لانفسكم من معين و لا نصير ... چند مرتبه بلا بر شما نازل شد و ابداء التفات نمودید یکی احتراق که اکثر مدینه (استانبول) بنار عدل سوخت چنانچه قصائد انشاء نمودند و نوشته اند که چنین حرق تا بحال نشده معذک بر غفلتتان افزود و همچنین وبا مسلط شد و متنبه نشدید و لکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده زود است که آنچه از قلم امر نازل شده مشاهده نمائید .“

در لوح دیگر سقوط سلطنت و خلافت را پیشگوئی و قوای مجتمعه مذاهب سنی و شیعه - اسلام را چنین ملامت فرموده است:

”بكم انحط شان الملة و نکس علم الاسلام و ثل عرشه العظیم .“

و بالاخره در کتاب اقدس که بلافاصله پس از تبعید حضرت بهاءالله بعکا نازل شده بمرکز سلطنت عثمانی چنین خطاب شده است:

”يا ايها النقطة الواقعة في شاطئ البحرين قد استقر عليك كرسى الظلم و اشتعلت فيك نار البغضاء ... و انك في غرور مبين اغرتك زينتك الظاهره سوف تفنى و رب البريه و تتوح البنات و الارامل و ما فيك من القبائل كذلك ينبئك العليم الخبير .“

در ضمن عبارت قابل ملاحظه از لوح فواد که در آن از مرگ فواد پاشا وزیر جارجیه عثمانی ذکرى رفته سقوط سلطان نیز موکدا قید شده است:

”سوف نعزل الذى كان مثله و ناخذ اميرهم الذى يحكم على البلاد و انا العزيز الجبار .“

معامله سلطان عبدالعزيز نسبت باین کلمات که درباره شخص او و سلطنت و تخت و تاج و پایتخت و وزرایش نازل شده بود از سلسله رنجهای که بر حضرت بهاءالله وارد کرده و شرح آن در صفحات اولیه این کتاب ذکر شده بخوبی مفهوم میشود . اینک بشرح چگونگی زوال آن ”زینت ظاهره“ که مرکز پرغرور قدرت پادشاهی را فرا گرفته بود میپردازم